

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال چهاردهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۵، شماره پیاپی ۲۶

## تحلیل رابطه طایفه‌گرایی اجتماعات محلی با توسعه سیاسی در شرایط انتخاباتی (مطالعه موردی: شهرستان نورآباد ممسنی)

حمداالله سجاسی‌قیداری (استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، نویسنده مسئول)

**ssojasi@um.ac.ir**

مهدی پورطاهری (دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)

**mahdit@modares.ac.ir**

وحید صادقی (کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)

**vahidsadeghi86@yahoo.com**

سید محمدحسین حسینی (کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای، وزارت امور خارجه، تهران، ایران)

**mh.hossein25@yahoo.com**

صص ۱۹ - ۴۶

### چکیده

**اهداف:** طایفه‌گرایی اساساً مبتنی بر رجحان یک گروه نژادی، طایفه‌ای و فرهنگ اجتماعی مشخص بر گروه‌های دیگر است که در آن انجام تصمیم‌گیری‌های سیاسی مبتنی بر گرایش‌های طایفه‌ای بوده و در تضاد با توسعه سیاسی است؛ زیرا توسعه سیاسی، فرآیند دموکراتیزاسیون مبتنی بر نهادینگی ساختارهای سیاسی برخوردار از جامعه مدنی و چرخه مسألت‌آمیز قدرت از طریق وفاق بین نخبگان و تفکیک و افتراق بین ساخت‌ها را در بر می‌گیرد، اما دستیابی به چنین سطحی از توسعه سیاسی در تصمیم‌گیری‌ها نیازمند گذار از تعصبات قومی و طایفه‌ای است. پدیده طایفه‌گرایی اجتماعی - سیاسی عمدتاً در اجتماعات محلی با ساختارهای طایفه‌ای عمدتاً مشاهده می‌شود که تداوم آن می‌تواند اثرات منفی متعددی مانند بی‌انگیزگی سایر گروه‌های اجتماعی و انحصارطلبی قدرت سیاسی شود. نمود عینی طایفه‌گرایی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی عمدتاً در شرایط انتخاباتی تشدید می‌شود. در این میان شهرستان ممسنی به‌عنوان یکی از شهرستان‌های استان فارس از جمله مناطق جغرافیایی پیرامونی کشور است که هنوز عناصر سنتی خود را حفظ کرده است. این شهرستان در طی سالیان متمادی زندگی عشیره‌ای و سنتی داشته است، به‌طوری‌که

هویت جغرافیایی و طایفه‌ای یکی از نیرومندترین عوامل اثرگذار بر پایگاه رأی‌آوری نمایندگان این حوزه انتخابیه را شکل می‌دهد. بنیاد پژوهش کنونی بر این پرسش نهاده شده است که چه رابطه‌ای بین طایفه‌گرایی و توسعه سیاسی در اجتماعات محلی وجود دارد؟

روش: داده‌های مقاله پیش‌رو که ماهیتی توصیفی تحلیلی دارد، به روش کتابخانه‌ای و تحلیل آماری داده‌های میدانی (پرسش‌نامه و مصاحبه) گردآوری شده است. در روش میدانی با استفاده از نرم‌افزار SPSS به تبیین رابطه دو متغیر طایفه‌گرایی به مثابه متغیر مستقل و توسعه سیاسی به‌عنوان متغیر وابسته پرداخته شد.

یافته‌ها/ نتایج: تحقیق نشان داد که بین دو متغیر طایفه‌گرایی و توسعه سیاسی ارتباط معناداری وجود داشته است. در شهرستان ممسنی به دلیل حاکمیت بافت سنتی و غلبه عناصر متأثر از این بافت بر عناصر مدرن و تلفیق آن با برخی موانع چالش‌برانگیز، فرآیند توسعه سیاسی با موانعی مواجه بوده است.

نتیجه‌گیری: نگرش‌های محلی طایفه‌ای یکی از عوامل کلیدی بوده که در توسعه‌نیافتگی سیاسی شهرستان نورآباد ممسنی نقش داشته و به‌علت عبور ناقص شهرستان از مراحل توسعه سیاسی نظیر انتخابات، منجر به تثبیت نظام فکری طایفه‌گرایی شده است.

کلیدواژه‌ها: طایفه‌گرایی، توسعه سیاسی، انتخابات، شهرستان نورآباد ممسنی.

#### ۱. مقدمه

توسعه سیاسی فرآیندی برای گذار از وضعیت توسعه‌نیافتگی به توسعه‌یافتگی است که از آن تحت عنوان دموکراتیزاسیون<sup>۱</sup> یاد می‌شود. طبعاً یکی از شاخص‌های محوری توسعه سیاسی مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود است که این امر از طریق رقابت سیاسی سالم و کارآمد به وقوع می‌پیوندد (حجاریان، ۱۳۷۹، ص. ۱۵۹). در کشورهای جهان سوم و در حال توسعه، نحوه رابطه حامی-پیرو یکی از موانع اصلی گذار به دموکراسی محسوب می‌شود که نمونه بارز آن را می‌توان در نظام‌های صرفاً مبتنی بر طایفه‌گرایی مشاهده کرد؛ زیرا جهت‌گیری‌های سیاسی اقوام و طوایف به کانالیزه‌شدن و تک‌ساختی‌شدن نظام سیاسی منجر

#### 1. Democratization

می‌شود که در تضاد با روحیه توسعه سیاسی و دموکراسی است. بر این بنیان، برای جلوگیری از تمرکزگرایی سیاسی در طوایف و اقوام مسلط، در ایران نیز پس از انقلاب مشروطه، در سال ۱۲۸۵ شمسی و نهایتاً به سلطنت رسیدن رضاخان در سال ۱۳۰۴ علی‌رغم سرکوب خوانین در مناطق جغرافیایی پیرامونی کشور و تلاش برای ایجاد حکومت متمرکز و مبتنی بر قدرت مطلقه، نظام طایفه‌ای به دلیل ساختارهای سنتی حاکم بر جامعه ایرانی و فرهنگ سیاسی ایلی‌عشیره‌ای جامعه ایرانیان، برتری قومی و طایفه‌ای همچنان ادامه یافت به طوری که اکثر مناطق پیرامونی ایران از ساختار تاریخی و اجتماعی قومی و طایفه‌ای، در قالب اجتماعات محلی برخوردار بودند. از این رو، مشارکت سیاسی در این مناطق همواره با تعصبات محلی و طایفه‌ای همراه بود. شهرستان ممسنی از جمله مناطق جغرافیایی پیرامونی کشور است که هنوز عناصر سنتی خود را حفظ کرده است. این شهرستان در طی سالیان متمادی زندگی عشیره‌ای و سنتی داشته است به طوری که فرهنگ سیاسی طایفه‌ای بنیاد و ساختار اجتماعی این منطقه را شکل داده و براساس مؤلفه‌های جامعه‌شناختی دارای اجزای معینی نظیر ارزش‌ها، باورها و ایستارهای احساسی مردم نسبت به سیستمی بوده است که منجر به شکل‌گیری نظام طایفه‌گرایی در این شهرستان شده است. این مبانی رفتاری در دو سطح نهاد (سنت) و داده‌های (مدرن) نظام، تقابل خرده نظام‌های طایفه‌ای و محلی با خرده نظام‌های نوگرایانه را به همراه داشته است که همواره یکی از موانع عمده توسعه سیاسی به‌شمار می‌رود. بنیاد پژوهش کنونی بر این پرسش نهاده شده است که چه رابطه‌ای بین طایفه‌گرایی و توسعه سیاسی در اجتماعات محلی وجود دارد؟

## ۲. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی تحلیلی و روش گردآوری و تحلیل داده‌ها کتابخانه‌ای و تحلیل آماری داده‌های میدانی (پرسش‌نامه و مصاحبه) است. برای این منظور ابتدا به مطالعه مبانی نظری پژوهش در رابطه با مسئله اصلی پژوهش پرداخته شده و از درون آن شاخص‌ها و متغیرهای تحقیق استخراج شده است. براساس متغیرهای پژوهش، پرسشنامه‌ای در قالب ۴۹ سؤال با طیف لیکریت (پنج‌گزینه‌ای) طراحی شد. شاخص‌هایی کلیدی که در این پرسش‌نامه لحاظ گردیده‌اند، شامل: شاخص اول مربوط به طایفه‌گرایی و شاخص دوم متمرکز بر توسعه سیاسی است. در ادامه جمع‌آوری داده‌های

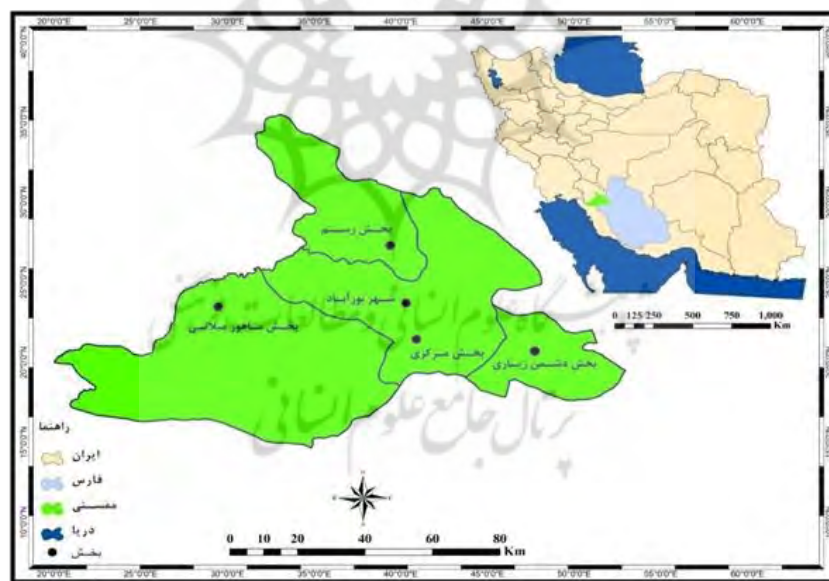
پژوهش نیازمند مشخص کردن جامعه آماری است؛ لذا در سطح منطقه‌ای، شهرستان نوباد ممسنی به‌عنوان منطقه مورد مطالعه انتخاب شد. علت انتخاب این شهرستان، وجود نگرش‌های محلی طایفه‌ای در این منطقه، ضعف مناسبات و مرادوات مؤثر طوایف با یکدیگر، کم‌توجهی به صلاحیت‌های فردی در انتخابات و گزینش بر بنیاد هویت جغرافیایی و طایفه‌ای بوده است که در برخی از موارد نیز منجر به تنش‌های محلی و طایفه‌ای در شهرستان منجر می‌شود. از اقوام مستقر در نوباد ممسنی می‌توان به دو قوم اصلی لر و ترک قشقایی اشاره کرد که قوم لر ۴ طایفه بکش، جاوید، رستم، دشمن‌زیاری و ماهور میلاتی را شامل می‌شود و از قوم ترک قشقایی دو طایفه کشکولی و دره‌شوری در بخش ترک‌تبار ماهورمیلاتی به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. به‌دلیل گستردگی شهرستان و همچنین بالابودن تعداد افراد مربوط به هر طایفه، برای تکمیل پرسش‌نامه به‌صورت تصادفی از میان ریش‌سفیدان به‌عنوان رهبران و متنفذین محلی هر قوم، ۵۰ پرسش‌نامه تکمیل شد؛ لذا در مجموع، تعداد ۱۰۰ پرسش‌نامه تکمیل و جهت پاسخگویی به سؤال‌های پژوهش استفاده شده است. لازم به ذکر است جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است و با توجه به مقیاس داده‌ها که از نوع رتبه‌ای است از آزمون‌های t تک‌نمونه‌ای و یومن - وایت نی برای مقایسه میانگین‌ها و آزمون اسپیرمن استفاده شده و تحلیل مسئله بر مبنای این آزمون است.

### ۳. محیط‌شناسی پژوهش

استان فارس ۲۹ شهرستان دارد. شهرستان ممسنی در شمال غربی این استان و غرب رشته‌کوه زاگرس قرار دارد. عمده ساکنان نواحی شمال غربی و غرب استان فارس گویش لری دارند. ممسنی نیز شامل دو گروه زبانی لری و ترکی قشقایی است (حبیبی‌فهلپانی، ۱۳۷۱، ص. ۵۱). براساس آمارهای آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰، این شهرستان با اختصاص ۵/۴ درصد از مساحت استان، ۱۱۶۳۸۶ نفر جمعیت دارد که ۶۱۸۳۱ نفر در نقاط شهری و ۵۳۹۱۶ نفر در نقاط روستایی سکونت دارند و ۶۳۹ نفر هم غیرساکن هستند (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان فارس، ۱۳۹۳، ص. ۱۵۳-۱۵۴).

شهرستان ممسنی با یک حوزه انتخابیه (ممسنی) از چهار بخش مرکزی، رستم، دشمن‌زیاری و ماهور میلاتی تشکیل شده است. هرکدام از این بخش‌ها، جایگاه یا زادگاه جغرافیایی طایفه‌های ممسنی هستند، به‌طوری که از دیرباز طوایف بکش، جاوید، رستم،

دشمن‌زیاری و ماهور میلادی در این مناطق سکنی گزیده‌اند. طایفه در ممسنی موجودیت قانونی ندارد لکن یک واقعیت اجتماعی مکانی است که بر فضای جغرافیای ممسنی مسلط است (صادقی و حسینی، ۱۳۹۴، ص. ۱۷). روابط و مراودات درون‌طایفه‌ای بر پایه دوستی و مروت است، اما گاهی مواقع دیده می‌شود که عاملی (معمولاً اقتصادی) این دوستی و مروت را به دشمنی و حتی نزاع تبدیل می‌کند و به‌طور کامل وحدت و انسجام درونی طایفه را برای مدتی متزلزل و بی‌ثبات می‌کند، اما همان طایفه و زیستگاه که ممکن است دچار تزلزل درونی باشد، در مقابل عامل خارجی (سایر طوایف یا بیگانگان) از خود وحدت و اتحاد نشان می‌دهد و با خطری که یگانگی طایفه را تهدید می‌کند، به‌طور جمعی و گروهی مبارزه می‌کنند. رابطه بین طایفه‌ای هم بر اساس دوستی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز است، اما این دوستی بر بنیاد رقابت‌های ژئوپلیتیکی است. این رقابت‌ها بعضی مواقع (زمان انتخابات) رابطه بین مکان‌ها و طایفه‌های موجود در ممسنی را شکرآب می‌کند (صادقی، ۱۳۹۴، ص. ۲۰).



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

مأخذ: میرزایی تبار، صادقی و حسینی، ۱۳۹۴، ص. ۱۷۷

بخش مرکزی با وسعت ۲۰۱۲ کیلومتر مربع و از منظر جمعیتی با ۹۸۷۶۱ نفر جمعیت، بیشترین جمعیت را در شهرستان دارد که شهر نورآباد مرکز حوزه انتخابیه ممسنی در این

بخش واقع شده است (سالنامه آرماری، ۱۳۹۰). بخش مرکزی که به «بلوک ممسنی» شهرت دارد (حبیبی فهلیانی، ۱۳۸۴، ص. ۵)، از وزن ژئوپلیتیک بالایی در منطقه برخوردار است. این بخش زیستگاه جغرافیایی دو طایفه بزرگ «بکش و جاوید» است که اصالتاً طوایفی لر زبان و از منظر سیاسی اقتصادی نقش مهمی را در این شهرستان ایفا می‌کنند (رومینا و صادقی، ۱۳۹۴، ص. ۹۶). طایفه بکش که هسته اولیه شهرستان را - خواه از نظر مرکزیت جغرافیایی و خواه جمعیتی - تشکیل می‌دهد از قدرت و اثرگذاری بالایی در جهت تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی و بسیج توده‌ها در زمان انتخابات برخوردار است. پیشینه و ادبیات تاریخی، همبستگی درونی و هماهنگی مَسنجم متنفذان محلی، تبلیغات گسترده و لابی‌گری برای جذب آرای شناور و بهره‌گیری از ظرفیت جمعیتی و ساماندهی نیروهای درون‌زادگاهی به این مسئله انجامیده است که نامزدهای این حوزه جغرافیایی (طایفه) در ادوار سوم، ششم، هشتم و نهم مجلس شورای اسلامی پیروز انتخابات شوند. طایفه جاوید با در اختیار داشتن بازار شهرستان ممسنی به‌عنوان قدرتی اقتصادی از توان و قابلیت بالایی برای بسیج نیروها و در نهایت احراز قدرت برخوردار است و تاکنون توانسته در سه دوره (اول، دوم و هفتم) از انتخابات مجلس شورای اسلامی پیروز انتخابات شود.

بخش پیرامونی مکان استقرار طوایف رستم، دشمن‌زیاری و ماهور میلانی است. بخش رستم با وسعت ۱۲۰۰ کیلومتر مربع و ۶۶۷۵۱ نفر جمعیت، یکی از بخش‌های پیرامونی شهرستان ممسنی است (سالنامه آرماری، ۱۳۹۰). این بخش که از منظر جمعیتی و فضای جغرافیایی، بخش پهناوری از شهرستان ممسنی را شامل می‌شود، خارج از منطقه ممسنی واقع شده است و همواره از نظر ژئوپلیتیک مشکل اساسی داشته است. از این رو، برای کسب قدرت سیاسی (گُرسی نمایندگی) علی‌رغم بسیج نیروها (طایفه) با بحران مواجه می‌شود؛ در نتیجه پیوستگی و تعامل کمی با بخش مرکزی (هسته سخت شهرستان) دارد و این مهم یکی از سازه‌هایی (عواملی) است که باعث شده این طایفه به‌رغم جمعیت هنگفتی که دارد تاکنون دو دوره (مجلس چهارم و پنجم) گُرسی نمایندگی مجلس را کسب کند. بخش دشمن‌زیاری با ۹۴۴۲ نفر جمعیت، ۲ دهستان (دشمن‌زیاری و مشایخ)، در سال ۱۳۶۸ به بخش ارتقا یافت و در جنوب شرقی و شرق ممسنی واقع شده است (سالنامه آرماری، ۱۳۹۰). این بخش به دلیل نداشتن جمعیت لازم، پراکندگی جمعیت و دوری از مرکز (جغرافیایی)، قدرت سیاسی و

اقتصادی اندکی دارد. از این رو، از توان بالایی در رقابت‌های انتخاباتی برخوردار نیست و این مهم به این مسئله انجامیده که نامزدهای این طایفه نتوانند طی تاریخ بعد از انقلاب اسلامی کرسی نمایندگی مجلس را تحصیل کند. بخش ماهور میلانی، به دلیل نداشتن جایگاه لازم در ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی شهرستان و ضعف انسجام درون‌طایفه‌ای و نداشتن متنفذان محلی جهت ساماندهی و تنسيق افراد در فرآیندی چون انتخابات و همچنین برخورداری از فرهنگ و زبان متفاوت که با هسته مرکزی شهرستان از لحاظ قومی فرهنگی، زبانی متفاوت است و کمی جمعیت در کارزار انتخابات نمی‌تواند اثربخش و کارا ظاهر شود و دائماً در فرآیند انتخابات نقش آرای شناور را بازی می‌کند. جذب آرای سرگردان منوط به توان و پتانسیل دیگر طوایف است و هر طایفه‌ای که بتواند رایزنی‌ها و لابی‌گری‌های لازم را با متنفذان و متمولان محلی این طایفه به عمل آورد از فرصت و ژرفای ژئوپلیتیکی بالایی برای احراز کرسی مجلس برخوردار می‌شود. این بخش‌ها به دلیل موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های مکان استقرار، به طور نسبی در انزوا به سر برده و کمتر در معرض تبادلات و تحولات فرهنگی و اجتماعی قرار گرفته‌اند (رومینا و صادقی، ۱۳۹۴، ص. ۹۶). از این رو، همواره دچار خلأ قدرت هستند و بکشی‌ها و جاویدی‌ها (قدرت‌های موجود) عمق استراتژی خود را (جهت جذب آراء) در آنجا دنبال می‌کنند.

الگوی مسلط فرهنگ سیاسی در شهرستان ممسنی کارکردی طایفه‌محور دارد. به طوری که فرهنگ سیاسی طایفه‌ای از ریشه ژرفی برخوردار است و به رفتار سیاسی و کنش‌های سیاسی ساکنان ممسنی جهت می‌دهد. پیدایش و تطور فرهنگ سیاسی طایفه‌ای از فرهنگ عمومی، تاریخ و جغرافیای ممسنی نشئت گرفته است. در رابطه با موانع توسعه سیاسی در ممسنی باید اشاره کرد که فرهنگ و ارزش‌های حاکم بر جامعه هرگونه تحول فکری را محدود می‌سازد و ساخت اجتماعی طبقاتی که ماحصل فرهنگ و ارزش‌های حاکم است در طول تاریخ استمرار می‌یابند و فرآیند توسعه نیافتگی سیاسی را به همراه دارد.

## ۴. چهارچوب نظری پژوهش

## ۴.۱. طایفه‌گرایی

ادبیات جغرافیای انتخابات نشان می‌دهد که جستار طایفه‌گرایی<sup>۱</sup> یکی از عوامل اثرگذار در رفتار سیاسی شهروندان، نقشه رفتار انتخاباتی و پیدایش الگوی فضایی انتخابات بوده است. در واقع، جغرافیایی‌ترین بعد رأی‌گیری همین مقوله طایفه‌گرایی است که در آن رابطه میان نتایج انتخابات، و محدوده پیرامونی سکونتگاه و زادگاه نامزدها و نمایندگان بررسی می‌شود (گلاسنر<sup>۲</sup>، ۱۹۹۳، ص. ۱۸۵). طایفه‌گرایی<sup>۳</sup> نوعی احساس و انگیزه درونی در افراد ساکن در مکان و فضای جغرافیایی خاص است که ارزش‌های مرتبط با نحوه ادراک از مکان و محل زیست را بر ارزش‌های فراتر از محل یا مرتبط با محل‌های دیگر ترجیح می‌دهند (رومینا و صادقی، ۱۳۹۴، ص. ۹۱). به دیگر سخن، مبحث طایفه‌محوری ناظر بر اثرگذاری عناصر مکانی و جغرافیایی در پسندها و مطلوب‌های مؤثر در رفتار رأی‌دهندگان ساکن محدوده‌های خاص (پایگاه حمایتی) زادشهری است (کاویانی‌راد و ویسی، ۱۳۸۷، ص. ۳).

در مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی با پیشینه عشایری و کوچندگی، گذشته از ارتباط بین گروهی، تشکیلات مکانی طایفه‌ای در سطوح گوناگون موجب پیوندها و بستگی‌های ریشه‌دار می‌شود (سعیدی، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۲). در چنین مناطقی، این وصلت‌ها و پیوستگی‌های خویشاوندی مهم‌ترین بنیادها و پیوندها به شمار می‌روند (ڈسون، ۱۳۸۲، ص. ۴۵). در این مناطق، روابط انسان‌ها با توجه به مناسبات قومی شکل می‌گیرد. به عبارتی، تنها حلقه‌ای که افراد گروه‌ها و اقوام را به هم نزدیک و مرتبط می‌سازد، حلقه‌های خویشاوندی و طایفه‌ای است. این مهم خود تا حدودی زیادی از صیانت ذات و حمایت افراد طایفه از همدیگر در مقابل دشمنان متأثر شده است. بعد از مسکن‌گزینی ضمن اینکه این همبستگی قومی طایفه‌ای، همچنان به قوت خود باقی می‌ماند، رابطه مکانی به عنوان یک عامل قوی ثانوی بر آن افزوده می‌شود. بنابراین حلقه‌های خویشاوندی، رابطه مکانی و ویژگی‌های اجتماعی، درهم می‌آمیزد و در نهایت محیط‌هایی با ویژگی‌های قومی، اجتماعی و مکانی خاص خود به وجود می‌آورد (مهدوی، ۱۳۹۲، ص. ۷). در رابطه بین شخصیت و طایفه‌گرایی گرچه هر جامعه‌ای نوعی

---

1. Tribalism  
2. Glassner  
3. Tribalism



طایفه‌گرایی را بر می‌انگیزاند، همه اعضای جامعه به یک اندازه طایفه‌گرا نیستند. بدین معنا که برخی سنخ‌های شخصیتی بیشتر از سنخ‌های دیگر گرایش‌های طایفه‌گرایانه دارند (کوئن، ۱۳۸۶، ص. ۴۴).

به‌طور کلی، ساختار طایفه و نظام طایفه‌گرایی اساساً مبتنی بر مدل سازمانی اجتماعی و غیررسمی و همان «جمین شافت»<sup>۱</sup> فردیناند تونیس و نظام سنتی تالکوت پارسونز است. جمین شافت به‌عنوان الگوی سنتی بر پایه روابط خویشاوندی پایه‌گذاری می‌شود - فرد در واحد اجتماعی به دنیا می‌آید، نه صلاحیت او برای عضویت و نه حس تعلق او مورد سؤال قرار می‌گیرد - و روابط بین اشخاص بر مبنای احساسات و عواطف است (پالمر و همکاران، ۱۳۹۱، ص. ۹۲). در جامعه سنتی پارسونزی روابط اعضا مبتنی بر خویشاوندی، روابط غیررسمی و پدرسالاری استوار است که این ویژگی‌ها را می‌توان در ساختاری به نام نظام طایفه‌گرایی مشاهده کرد. فرهنگ سیاسی طایفه‌ای مبتنی بر رابطه روابط عاطفی، خاص‌گرایانه، منافع جمعی، نسب‌گرایی و درهم‌نگری است و تصمیم‌گیرنده نهایی نه فرد بلکه رهبر و بزرگ طایفه (متنفذین محلی) است. لذا در چنین جوامع و اجتماعات محلی، تصمیم‌گیری‌های سیاسی تحت تأثیر گرایش‌های طایفه‌ای قرار گرفته و در راستای منافع جمعی برای گروهی محدود می‌باشد که مانعی در رابطه با توسعه سیاسی است (قوام، ۱۳۸۹، ص. ۵۱).

#### ۲.۴. توسعه سیاسی

توسعه سیاسی<sup>۲</sup> مفهومی تازه در فرهنگ سیاسی کشور ما محسوب می‌شود و خاستگاه غربی دارد و واژه‌ای جامعه‌شناختی است. مکاتب غربی مفهوم توسعه سیاسی و فرآیند آن را به‌عنوان راهکاری برای عبور از عقب‌ماندگی و رسیدن به توسعه در کشورهای توسعه‌نیافته - کشورهای جهان سوم - ارائه کردند (سو، ۱۳۷۸، ص. ۳۰). توسعه سیاسی مفهوم ثابتی ندارد؛ عده‌ای توسعه را تنها یک تحول مربوط به دنیای غرب می‌دانند که از آنجا ریشه گرفته است. بنابراین آن را الگوی مناسبی برای رهایی همه جوامع از فقر و مشکلات نمی‌دانند. عده‌ای دیگر توسعه را شرط بقای جامعه و حفظ استقلال آن می‌دانند. عده‌ای نیز اولویت را به

1. Gemeinschaft  
2. Political development

ارزش‌ها و ایدئولوژی و عدالت اجتماعی داده و به دنبال آن توسعه را طرح می‌کنند و آن را برای خدمت به استقلال جامعه ضروری می‌دانند (نظری، بشیری‌گیوی و جنتی، ۱۳۹۲، ص. ۱۳۸). نظریه‌پردازان توسعه سیاسی افزایش قدرت و توان و کارآیی حکومت را مهم‌ترین عامل برای توسعه سیاسی قلمداد کرده‌اند. به‌عنوان نمونه هانتینگتون در کتاب نظم سیاسی<sup>۱</sup> در جوامع در حال تغییر استدلال می‌کند که میزان قدرت در جوامعی افزایش می‌یابد که در حکومت متمرکز گردد: «جوامع از هم پاشیده نمی‌تواند بدون قدرت متمرکز به حیات خود ادامه دهند» (هانتینگتون، ۱۹۸۹، ص. ۱۲۵). به عبارتی «نخستین گام در توسعه سیاسی افزایش و تمرکز منابع قدرت در دست حکومت به منظور حفظ نظم و نهادهای سیاسی موجود است» (هانتینگتون، ۱۹۸۹، ص. ۱۲۵). بنابراین به نظر او باید قدرت حکومت گسترش یابد و رقابت و مشارکت سیاسی محدود گردد (بشریه، ۱۳۸۰، ص. ۲۴). لوسین پای<sup>۲</sup> افزایش ظرفیت نظام را در پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های مردم، تنوع ساختاری و تخصصی شدن ساختارها می‌داند و همچنین افزایش مشارکت سیاسی را لازمه توسعه سیاسی معرفی می‌کند. پای، معتقد است که برای تحقق توسعه مطلوب، نظام سیاسی باید از سلسله‌بهران‌هایی مانند بحران هویت، مشروعیت، نفوذ، مشارکت و توزیع موفقیت‌آمیز عبور کند (پای، ۱۹۶۶، ص. ۳۹-۴۰). آلومند و پاول نیز، از لحاظ رفتاری و مصلحت‌گرایی، ارجح بودن فعالیت‌های دسته‌جمعی بر فردگرایی، میزان همبستگی و میثاق با نظام سیاسی، روابط سیاسی بر مبنای اعتماد متقابل را معیارهایی برای توسعه سیاسی می‌دانند و از نظر ساختاری بر تنوع ساختاری، فرهنگ دنیوی و سطح بالای استقلال نظام‌های فردی تأکید دارند (الموند و وربا، ۱۹۶۸، ص. ۱۶-۱۷).

بنابراین، شکل‌گیری و ساخت فرآیندی به نام توسعه سیاسی، مستلزم تغییرات اجتماعی بلندمدتی است که طی آن نظام تقسیمات کار، قشربندی اجتماعی، نظام سیاسی و فرهنگ، دستخوش تحول واقع می‌شود که در تکوین آن، عامل سیاسی و اجتماعی، منافع گروه‌ها، اقشار و طبقات و گرایش آن‌ها به تغییر یا مقاومت نقش دارد. بر این بنیاد می‌توان گفت توسعه سیاسی ماهیتی برآیندی (منتجه) دارد و تکوین آن در هر جامعه‌ای، تاریخ خاص خود را دارد

1. Political Order in Changing Societies

2. Lucian W Pye

(احمدی‌پور، صادقی و تیموری، ۱۳۹۴، ص. ۸۷). به‌طور کلی شاخص‌ها و مصادیقی که برای توسعه سیاسی می‌توان مطرح کرد عبارتند از: پلورالیسم، استقلال قوای سه‌گانه، برگزاری انتخابات آزاد در سطوح مختلف با فقدان محدودیت‌ها و موانع در رفتار انتخاباتی، توزیع قدرت میان نخبگان سیاسی، تخصصی‌شدن امور، وجود ساختارهای رسمی غیر حکومتی نظیر NGO، پیش‌بینی‌پذیر بودن، اعتماد و مشروعیت دولت. بر اساس مؤلفه‌های مذکور توسعه سیاسی و طایفه‌گرایی با یکدیگر ارتباط تنگاتنگی پیدا می‌کنند و می‌توان گفت گرایش‌های طایفه‌ای منجر به از بین رفتن شاخص‌های توسعه سیاسی و شایسته‌سالاری می‌شود.

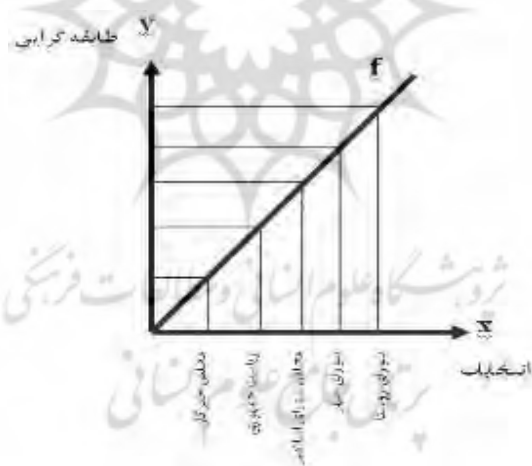
#### ۴. ۳. انتخابات: عرصه نمود عینی رفتار سیاسی طایفه‌گرایی

آشکارترین حلقه پیوند مشارکت و مشروعیت، انتخابات<sup>۱</sup> (منصفانه و عادلانه) است. انتخابات پدیده‌ای اجتماعی و فرهنگی با برون‌دادی سیاسی و شیوه دموکراتیک‌گزینش نهادهای نمایندگی مردم و بنیاد مشروعیت ساختارهای مردم‌سالار است (کاویانی‌راد، ۱۳۹۲، ص. ۲۹). در عین حال، واسطه‌ای میان حزب و سیاست است و آنچه از صندوق‌های رأی بیرون می‌آید، برآیند عقل جمعی جامعه است (دارابی، ۱۳۸۸، ص. ۱۰). فرآیند انتقال قدرت از مردم به حکومت با انتخابات صورت می‌گیرد. به عبارتی، دموکراسی و انتخابات بهترین وسیله برای عملی‌کردن اثرگذاری اراده ملت بر حکومت در اداره سرزمین است (مجتهدزاده، ۱۳۹۰، ص. ۳۸). تبیین تئوری انتخابات با دو شیوه دموکراسی مستقیم و غیرمستقیم صورت می‌گیرد (داورپناه، ۲۰۰۶، ص. ۵۲). در دموکراسی مستقیم یا مشارکتی، تصمیمات به‌طور جمعی به‌وسیله افراد ذی‌ربط گرفته می‌شود. ولی در دموکراسی غیرمستقیم یا نمایندگی، مردم به‌طور غیرمستقیم به واسطه نمایندگان مورد اعتماد خود بر اداره دولت نظارت دارند. در دموکراسی‌های نمایندگی، احزاب نقش حیاتی دارند؛ زیرا اراده مردم را ساماندهی و به‌صورت مجرای ارتباطی عمل می‌کنند (حافظ‌نیا و کاویانی‌راد، ۱۳۸۸، ص. ۲۲۶).

در رابطه میان انتخابات و توسعه سیاسی این نکته حائز اهمیت است که انتخابات اگرچه یکی از شاخص‌های توسعه سیاسی است اما مولفه مطلق به‌شمار نمی‌رود و دلیل آن را می‌توان در برگزاری انتخابات تک‌حزبی، نیمه رقابتی و کنترل شده و کانالیزه کردن توده در جهت حمایت از یک نامزد خاص در رژیم‌های توتالی‌تر نظیر اروپای شرقی، کشورهای

جهان‌سوم و شوروی سابق جستجو کرد (حجاریان، ۱۳۷۹: ۱۵۳). علیرغم این امر، انتخابات یکی از محورهای سیر گذار از سنت به مدرنیسم و دستیابی به کانال‌های قدرت از طریق مسألت‌آمیز و قانونی محسوب می‌گردد.

نگرش‌های محلی و طایفه‌ای در شهرستان ممسنی علی‌رغم افزایش میزان مشارکت سیاسی ساکنان در میکانیسمی همچون انتخابات (مجلس شورای اسلامی) منجر به اختلاف و درگیری میان طوایف، زورآزمایی خیابانی و نهایتاً ضعف توسعه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شهرستان گردیده است که در نتیجه آن نارضایتی شهروندان نسبت به مسئولان و نمایندگان شهرستان را به همراه داشته است؛ هرچند که نمی‌توان محرک‌های بیرونی طایفه‌گرایی و نگاه مسئولان در سطح کلان نظام را نسبت به این گرایش نادیده انگاشت چراکه پایداری نظام طایفه‌گرایی به‌رغم افزایش میزان مشارکت سیاسی رأی‌دهندگان در انتخابات، منجر به تضعیف درونی طوایف، افزایش اختلاف‌های قومی طایفه‌ای و توسعه خصومت و کدورت بین طوایف و در نهایت به توسعه‌نیافتگی سیاسی منجر شده است (شکل ۲).



شکل ۲: رابطه طایفه‌گرایی و انتخابات

طبق نمودار هرچه از انتخابات در مقیاس کلان (مجلس خبرگان و ریاست جمهوری) به سمت انتخابات در مقیاس محلی حرکت شود، مشخص می‌شود که تأثیرگذاری انتخابات بر توده در نظام طایفه‌ای افزایش می‌یابد و به تبع آن حساسیت انتخابات نیز افزایش می‌یابد که از

طریق دیدگاه جامعه‌شناسی سیاسی قابل تحلیل است. بر بنیاد نظریه توسعه نامتوازن<sup>۱</sup> یک بخش از کشور، استان یا شهرستان به عنوان کانون<sup>۲</sup> به سمت رشد و توسعه اقتصادی در حرکت است، اما نواحی جغرافیایی پیرامونی ایستا هستند و پویایی خاصی در آن‌ها مشاهده نمی‌شود. با توجه به این نظریه در نظام طایفه‌گرایی، طایفه‌ای که قدرت سیاسی را در اختیار دارد نه تنها به سایر طوایف بلکه به تیره‌های طایفه خود نیز توجه نمی‌کند و تنها مناطقی را ساماندهی و حمایت اقتصادی می‌نماید که در جریان انتخابات بیشترین میزان حمایت را به وی اعطا نموده‌اند. در این مدل همچنین یک «خانواده» یا «ام‌القری» شکل می‌گیرد که تنها این بخش بیشترین میزان بودجه را به خود اختصاص می‌دهد و مناطق دیگر زیر چرخ دنده‌های نظام طایفه‌گرایی نابود می‌شوند و فرآیند بی‌عدالتی جغرافیایی و توسعه نامتوازن آنقدر ادامه می‌یابد که رشد و توسعه دیگر مناطق تقریباً به صفر و حتی منفی می‌رسد. در این چارچوب مفهوم محور-حاشیه نیز در بررسی تنش‌ها و نابرابری‌های ناشی از تنوع جغرافیایی، فرهنگی و اقتصادی درون‌کشوری به کار می‌رود که بر اساس آن عوامل سلطه و بهره‌کشی در رابطه میان محور و حاشیه از اجزای ذاتی این مفهوم هستند (مویر، ۱۳۷۹، ص. ۲۰۸).

#### ۴. ۴. مؤلفه‌های تعیین‌کننده منافع طایفه‌ای در رفتار انتخاباتی

عوامل موثر بر رادیکالیسم گرایش‌های طایفه‌ای در انتخابات را می‌توان در قالب عملکرد نخبگان علمی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نظامی مورد تحلیل قرار داد. زیرا گرایش‌ها و جهت‌گیری‌های طایفه‌گرایی هر ک از این گروه‌های نخبگی می‌تواند در تشدید رفتارهای رادیکالیسم طایفه‌ای مؤثر باشد. اما به طور کلی عمل طایفه‌گرایی در انتخابات را می‌توان بر اساس چهار معیار کلیدی مورد تحلیل قرار داد:

**الف) عقلانی و معقول بودن:** عقلانی بودن مفهومی است که وبر برای اشاره به فرآیندی به کار برده که به وسیله آن شیوه‌های محاسبه دقیق و سازماندهی، شامل قواعد و روش‌های انتزاعی به طور فزاینده بر زندگی حاکم می‌شود. در بررسی این پدیده شاخص‌هایی نظیر حساب سود و زیان مسائل مختلف، میزان اندیشه افراد قبل از انجام یک عمل خاص و میزان

1. Unbalanced development  
2. Core

تقدیرگرایی افراد قبل از وقوع یک عمل خاص بسیار تاثیرگذارند (مقدس و حیدری، ۱۳۸۷، ص. ۱۶۳).

ب) **رابطه اجتماعی باز:** این نوع رابطه به نوع و دایره تماس‌های اجتماعی و فیزیکی افراد و گروه‌های قومی با یکدیگر مربوط می‌شود. بر این اساس می‌توان نوع روابط اجتماعی افراد یک قوم با دیگران غیر هم قوم را به ترتیب اولویت و اهمیت که شامل آشنایی، دوستی، ازدواج و همسایگی هستند مشخص کرد (بردی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰، ص. ۱۱).

ج) **اعتماد داشتن:** اعتماد ابراز اطمینان نسبت به اشخاص یا نظام‌های مجرد است که معمولاً مشکل بی‌اطلاعی یا ضعف در سواد سیاسی را برطرف می‌سازد (گیدنز، ۱۳۷۸، ص. ۳۳۳). در اینجا بحث اعتماد میان طوایف و مردمان طوایف بسیار حائز اهمیت است.

د) **صراحت:** صریح بودن به معنای سهیم کردن دیگران در اطلاعات، ایده‌ها، افکار، احساسات و عکس‌العمل‌ها نسبت به موضوع بحث است (مقدس و همکاران، ۱۳۸۷، ص. ۱۶۴).

در خصوص عقلانی و معقول بودن، شهرستان ممسنی و شهروندان ساکن در آن، تلاش می‌نمایند تا در حد امکان و توانایی خود اصول عقلایی و محاسبه دقیق را در برخورد با قضایا در پیش بگیرند اما در عین حال در شرایط انتخاباتی به‌ویژه انتخابات مجلس شورای اسلامی نوعی تقدیرگرایی و عمل براساس آیین پدرسالاری مبنای کار آن‌ها قرار می‌گیرد و عقلانیت و بری جای خود را به عصیت طایفه‌ای مورد تأکید این خلدون می‌دهد. متغیر رابطه اجتماعی باز در ممسنی امری نسبی است و با توجه به شخصیت، روحیه و نوع نگرش افراد متفاوت است. متغیر اعتماد داشتن به صورت فوق‌العاده‌ای در روابط میان طوایف نقش دارد، به‌گونه‌ای که اعتمادسازی در میان طوایف به‌ویژه در هنگام انتخابات و پس از انتخابات می‌تواند به ایجاد رضایت در میان آن‌ها و نمایندگان و در نتیجه حرکت به سوی توسعه سیاسی منجر شود.

با توجه به اینکه بسیاری از خشونت‌های طایفه‌ای به ضعف وجود اعتماد میان طوایف مغلوب و احساس بیگانگی با نمایندگان بر می‌گردد، متغیر اعتمادسازی می‌تواند در کنترل بحران بسیار کارآمد واقع گردد. متغیر صراحت مهم‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین عامل در رابطه

میان مصالح طایفه‌ای و مصالح عام است. صراحت در کلام و گفتار مردم طوایف و کاندیدا در زمان انتخابات در خصوص رعایت مصالح همگانی، تأمین خیر عمومی و تلاش برای توسعه سیاسی و اقتصادی گام مهمی در فرآیند دموکراتیک‌سازی ممسنی به‌شمار می‌رود. به‌طور کلی مردم این شهرستان در سه متغیر «رابطه اجتماعی باز»، «صراحت» و «عقلانی‌بودن» از توانش بالایی برای کاهش پدیده طایفه‌گرایی و در نظر گرفتن منافع و مصالح عام برخوردارند.

#### ۵. یافته‌های پژوهش

در این مطالعه با توجه به مسئله تحقیق وضعیت دو شاخص اصلی طایفه‌گرایی و توسعه سیاسی در شهرستان ممسنی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای مطالعه شدت طایفه‌گرایی از متغیرهای متعددی استفاده شد که بررسی تفاوت‌های میانگینی میان متغیرها گویای میزان و شدت طایفه‌گرایی در بین طوایف مختلف در منطقه مورد مطالعه است، به‌طوری‌که با توجه به سطح معناداری کمتر از  $0/05$  به‌دست آمده مشخص می‌شود که در هر ۱۱ متغیر مستقیم مرتبط با طایفه‌گرایی، طایفه‌های قوم لر و ترک ممسنی نشانه‌های قوی از طایفه‌گرایی وجود دارد (جدول ۲). همچنین به‌لحاظ عمل در انتخابات در طوایف که نشان‌دهنده جنبه‌ای از توسعه سیاسی است، از ۹ متغیر مرتبط با رفتار سیاسی در فرآیند انتخابات برای مقایسه نظرات طوایف در دو قوم لر و ترک قشقایی ممسنی استفاده شد. نتایج به‌دست‌آمده از آزمون t تک نمونه‌ای نشان می‌دهد که در همه متغیر سطح معناداری همسو با عمل بر اساس طایفه‌گرایی در فرآیند رفتار انتخاباتی است، به‌نحوی‌که طایفه محور اساسی در تصمیم‌گیری‌های انتخاباتی بین طوایف در حوزه انتخابیه است که این عمل تضعیف‌کننده مفهوم و اندیشه توسعه سیاسی است. هرچند که این فرایندها در بین هر دو قوم اصلی لر و ترک قشقایی منطقه مشاهده می‌شود اما باید گفت که شدت آن در بین طوایف قوم لر بیشتر است. به گونه‌ای که در بین طوایف ترک قشقایی، نشانه‌هایی از پایین بودن تعلقات طایفه‌ای در رفتار سیاسی انتخاباتی مشاهده می‌شود؛ تمایل به رأی دادن به نامزدهایی از طوایف دیگر یا رأی‌دهی به نامزدها بدون توجه به مقام و منصب از آن جمله‌اند (جدول ۱).

جدول ۱. تفاوت میانگین متغیرهای طایفه‌گرایی در بین طایفه‌های قوم لر و ترک قشقایی نورآباد ممسنی

طایفه‌های قوم لر نورآباد ممسنی						طایفه‌گرایی
مطلوبیت عددی مورد آزمون = ۲/۵						
فاصله اطمینان ۹۵ درصد		تفاوت از حد مطلوب	سطح معنادار ی	درجه آزادی	آماره t آزمون	
پایین‌تر	بالا‌تر					
-۰.۸۲۰	-۰.۹۱۸۰	-۰.۵۰۰۰۰	۰.۲۰	۴۹	-۲.۴۰۴	شرکت در حرکت‌های اعتراضی طایفه
.۷۴۹۰	.۰۹۱۰	.۴۲۰۰۰	۰.۱۳	۴۹	۲.۵۶۵	عمل نکردن بر خلاف عقاید طایفه
.۷۹۸۸	.۰۰۱۲	.۴۰۰۰۰	۰.۴۹	۴۹	۲.۰۱۵	اعتقاد به برتری طایفه‌ای در حل مسائل شهر
.۹۰۱۹	.۰۹۸۱	.۵۰۰۰۰	۰.۱۶	۴۹	۲.۵۰۰	نقش طایفه در حل مسائل محلی
۱.۱۲۳۳	.۳۵۶۷	.۷۴۰۰۰	.۰۰۰	۴۹	۳.۸۸۰	اعتقاد به برتری طایفه‌ای
۱.۰۱۰۹	.۳۰۹۱	.۶۶۰۰۰	.۰۰۰	۴۹	۳.۷۷۹	عدم تمایل به روابط قومی با سایر طوایف
۱.۲۸۰۸	.۶۳۹۲	.۹۶۰۰۰	.۰۰۰	۴۹	۶.۰۱۴	تأکید نخبگان سیاسی بر ارزش‌های طایفه‌ای
۱.۲۲۵۲	.۷۳۴۸	.۹۸۰۰۰	.۰۰۰	۴۹	۸.۰۳۱	وجود رقابت با طوایف دیگر
.۹۶۷۵	.۲۷۲۵	.۶۲۰۰۰	.۰۰۱	۴۹	۳.۵۸۵	تأکید بزرگان و ریش سفیدان بر ارزش‌های طایفه‌ای
۱.۷۵۱۵	.۹۲۸۵	۱.۳۴۰۰۰	.۰۰۰	۴۹	۶.۵۴۴	عدم اهمیت وحدت بین طوایف در توسعه شهرستان
۱.۸۹۴۲	۱.۳۰۵۸	۱.۶۰۰۰۰	.۰۰۰	۴۹	۱۰.۹۳۰	عدم توجه به تعالی و پیشرفت سایر طوایف
-۰.۴۸۹	-۰.۸۳۱۱	-۰.۴۴۰۰۰	۰.۲۰	۴۹	-۲.۲۶۱	شرکت در حرکت‌های اعتراضی طایفه
.۵۰۵۲	-۰.۱۰۵۲	.۲۰۰۰۰	۰.۱۳	۴۹	۱.۳۱۷	عمل نکردن بر خلاف عقاید طایفه
.۸۳۱۶	.۱۲۸۴	.۴۸۰۰۰	۰.۴۹	۴۹	۲.۷۴۴	اعتقاد به برتری طایفه‌ای در حل مسائل شهر
.۳۱۰۲	-۰.۳۹۰۲	-۰.۴۰۰۰۰	۰.۱۶	۴۹	-۰.۲۳۰	نقش طایفه در حل مسائل محلی
.۵۵۳۵	-۰.۰۷۳۵	.۲۴۰۰۰	.۰۰۰	۴۹	۱.۵۳۹	اعتقاد به برتری طایفه‌ای
۱.۰۱۰۹	.۳۰۹۱	.۶۶۰۰۰	.۰۰۰	۴۹	۳.۷۷۹	عدم تمایل به روابط طایفه‌ای با سایر طوایف
.۷۳۸۹	.۱۰۱۱	.۴۲۰۰۰	.۰۰۰	۴۹	۲.۶۴۷	تأکید نخبگان سیاسی بر ارزش‌های طایفه‌ای
.۹۱۶۳	.۳۲۳۷	.۶۲۰۰۰	.۰۰۰	۴۹	۴.۲۰۴	وجود رقابت با طوایف دیگر
.۷۶۴۳	.۰۳۵۷	.۴۰۰۰۰	.۰۰۱	۴۹	۲.۲۰۷	تأکید بزرگان و ریش سفیدان بر ارزش‌های طایفه‌ای
۱.۶۴۰۹	.۷۱۹۱	۱.۱۸۰۰۰	.۰۰۰	۴۹	۵.۱۴۵	عدم اهمیت وحدت بین طوایف در توسعه شهرستان
۱.۲۳۰۶	.۳۶۹۴	.۸۰۰۰۰	.۰۰۰	۴۹	۳.۷۳۳	عدم توجه به تعالی و پیشرفت سایر طوایف



جدول ۲. تفاوت میانگین متغیرهای رفتار توسعه سیاسی طایفه‌های قوم لر و ترک قشقایی نورآباد ممسنی در انتخابات

طایفه‌های قوم لر نورآباد ممسنی		رفتار توسعه سیاسی طوایف در انتخابات				
مطلوبیت عددی مورد آزمون = ۲/۵		تفاوت از حد مطلوب	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره آزمون t	
فاصله اطمینان ۹۵ درصد	پایین تر					
.۹۱۵۸	.۲۰۴۲	.۵۶۰۰۰	.۰۰۳	۴۹	۳.۱۶۳	اولویت رأی‌دادن بر اساس نماینده طایفه
.۹۱۱۲	.۲۰۸۱	.۵۶۰۰۰	.۰۰۲	۴۹	۳.۲۰۵	تعهد نماینده به طایفه خود
۱.۱۴۳۳	.۴۱۶۷	.۷۸۰۰۰	.۰۰۰	۴۹	۴.۳۱۴	میزان عدم رأی‌دادن به نامزد طوایف دیگر
.۷۶۴۳	.۰۳۵۷	.۴۰۰۰۰	.۰۳۲	۴۹	۲.۲۰۷	میزان پایبندی به احزاب طایفه خود
۱.۰۲۹۳	.۲۹۰۷	.۶۶۰۰۰	.۰۰۱	۴۹	۳.۵۹۲	وابستگی بالا به طایفه در انتخابات
.۵۲۵۹	-.۲۰۵۹	.۱۶۰۰۰	.۳۸۴	۴۹	۸۷۹	عدم توجه به طایفه نامزدها در انتخابات
۱.۲۶۷۶	.۵۳۲۴	.۹۰۰۰۰	.۰۰۰	۴۹	۴.۹۱۹	امکان عدم مشارکت در انتخابات در صورت عدم حضور نماینده طایفه
۱.۰۹۸۸	.۴۲۱۲	.۷۶۰۰۰	.۰۰۰	۴۹	۴.۵۰۸	تأثیر بالای تبلیغات ملی در شرکت افراد طایفه در انتخابات
.۸۰۴۳	.۱۱۵۷	.۴۶۰۰۰	.۰۱۰	۴۹	۲.۶۸۵	رأی‌دهی به نامزدها بر اساس مقام و منصب
۱.۰۳۲۵	.۳۲۷۵	.۶۸۰۰۰	.۰۰۰	۴۹	۳.۸۱۷	اولویت رأی‌دادن بر اساس نماینده طایفه
.۹۸۴۵	.۲۹۵۵	.۶۴۰۰۰	.۰۰۰	۴۹	۳.۷۳۳	تعهد نماینده به طایفه خود
.۷۰۰۲	-.۰۲۰۲	.۳۴۰۰۰	.۰۶۴	۴۹	۱.۸۹۷	میزان عدم رأی‌دادن به نامزد طوایف دیگر
۱.۰۶۳۸	.۲۹۶۲	.۶۸۰۰۰	.۰۰۱	۴۹	۳.۵۶۰	میزان پایبندی به احزاب طایفه خود
.۷۷۶۳	-.۰۱۶۳	.۳۸۰۰۰	.۰۶۰	۴۹	۱.۹۲۷	وابستگی بالا به طایفه در انتخابات
.۶۴۸۹	-.۰۸۸۹	.۲۸۰۰۰	.۱۳۴	۴۹	۱.۵۲۵	عدم توجه به طایفه نامزدها در انتخابات
۱.۰۴۶۷	.۲۷۳۳	.۶۶۰۰۰	.۰۰۱	۴۹	۳.۴۳۰	امکان عدم مشارکت در انتخابات در صورت عدم حضور نماینده طایفه
.۸۴۹۲	.۰۷۰۸	.۴۶۰۰۰	.۰۲۲	۴۹	۲.۳۷۵	تأثیر بالای تبلیغات ملی در شرکت افراد طایفه در انتخابات
.۷۸۴۵	-.۰۲۴۵	.۳۸۰۰۰	.۰۶۵	۴۹	۱.۸۸۸	رأی‌دهی به نامزدها بر اساس مقام و منصب

برای مقایسه میانگین شدت طایفه‌گرایی و توسعه‌نیافتگی سیاسی در بین طایفه‌های دو قوم لر و ترک قشقایی در ممسنی از آزمون t تک نمونه‌ای استفاده شد. نتایج به‌دست‌آمده در بین طایفه‌های قوم لر نشان داد که هم به‌لحاظ طایفه‌گرایی و هم به‌لحاظ توسعه‌نیافتگی سیاسی، مقدار میانگین‌ها بالاتر از حد مطلوب ۲/۵ در قالب طیف لیکرت بوده و سطح معناداری به‌دست‌آمده نیز صفر است. بنابراین می‌توان گفت که بین طایفه‌های قوم لر گرایش‌های طایفه‌ای وجود داشته و به‌واسطه آن نیز توسعه‌نیافتگی سیاسی را می‌توان مشاهده کرد (جدول ۳).

جدول ۳. تفاوت میانگین‌های طایفه‌گرایی و توسعه‌نیافتگی سیاسی در بین طایفه‌های قوم لر

مطلوبیت عددی مورد آزمون = ۲/۵						قوم لر
فاصله اطمینان ۹۵ درصد		تفاوت از حد مطلوب	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره آزمون t	
پایین تر	بالاتر					
۳۸.۲۷۹۸	۳۴.۰۸۰۲	۳۶.۱۸۰۰۰	...	۴۹	۳۴.۶۲۶	طایفه‌گرایی
۱۰۵.۳۳۱۹	۹۶.۶۶۸۱	۱۰۱.۰۰۰۰۰	...	۴۹	۴۶.۸۵۴	توسعه‌نیافتگی سیاسی

همچنین نتایج به‌دست‌آمده در بین طایفه‌های قوم ترک قشقایی نشان داد که هم به‌لحاظ طایفه‌گرایی و هم به‌لحاظ توسعه‌نیافتگی سیاسی، مقدار میانگین‌ها بالاتر از حد مطلوب ۲/۵ در قالب طیف لیکرت بوده و سطح معناداری به‌دست‌آمده نیز صفر است. بنابراین می‌توان گفت که بین طایفه‌های قوم ترک قشقایی وابستگی‌های طایفه‌ای وجود داشته و به‌واسطه آن نیز توسعه‌نیافتگی سیاسی را می‌توان مشاهده کرد (جدول ۴).

جدول ۴. تفاوت میانگین‌های طایفه‌گرایی و توسعه‌نیافتگی سیاسی در بین طایفه‌های قوم قشقایی

مطلوبیت عددی مورد آزمون = ۲/۵						قوم ترک قشقایی
فاصله اطمینان ۹۵ درصد		تفاوت از حد مطلوب	سطح معناداری	درجه آزادی	آماره آزمون t	
پایین تر	بالاتر					
۳۵.۲۸۶۱	۳۰.۵۱۳۹	۳۲.۹۰۰۰۰	...	۴۹	۲۷.۷۰۹	طایفه‌گرایی
۱۰۶.۹۴۵۱	۹۷.۸۱۴۹	۱۰۲.۳۸۰۰۰	...	۴۹	۴۵.۰۶۸	توسعه‌نیافتگی سیاسی

برای مقایسه تفاوت طایفه‌گرایی و شدت توسعه‌نیافتگی سیاسی از آزمون یومن - وایت‌نی استفاده شد. نتایج به‌دست‌آمده نشانگر آن است که بین طوایف اقوام لر و ترک قشقایی منطقه از لحاظ شاخص طایفه‌گرایی و توسعه‌نیافتگی سیاسی به‌لحاظ میانگین‌ها تفاوت وجود دارد، به‌طوری‌که می‌توان گفت جستار طایفه‌گرایی با میانگین ۵۶/۱۶ در قوم لر بیشتر از قوم ترک قشقایی با میانگین ۴۴/۸۴ در میان نمونه‌های مورد مطالعه شهرستان ممسنی است. همچنین از نظر سطح میانگینی توسعه‌نیافتگی سیاسی نیز بین طوایف اقوام لر و ترک قشقایی منطقه تفاوت وجود دارد؛ به‌نحوی‌که می‌توان گفت شاخص توسعه‌نیافتگی سیاسی با میانگین ۵۱/۷۳ در قوم لر بیشتر از قوم ترک قشقایی با میانگین ۴۹/۲۷ در میان نمونه‌های مورد مطالعه منطقه است (جدول ۵).

جدول ۵. تفاوت بین قومیت‌ها از لحاظ طایفه‌گرایی (Mann-Whitney Test)

جمع رتبه‌ها	میانگین رتبه‌ها	تعداد		
۲۸۰۸.۰۰	۵۶.۱۶	۵۰	لر	طایفه‌گرایی
۲۲۴۲.۰۰	۴۴.۸۴	۵۰	ترک قشقایی	
-	-	۱۰۰	مجموع	
۲۴۶۳.۵۰	۵۱.۷۳	۵۰	لر	توسعه‌نیافتگی سیاسی
۲۵۸۶.۵۰	۴۹.۲۷	۵۰	ترک قشقایی	
-	-	۱۰۰	مجموع	

بنابراین، از آنجایی‌که الگوی مسلط فرهنگ سیاسی در شهرستان ممسنی کارکردی طایفه‌محور دارد بخش عمده‌ای از پایگاه رأی‌آوری نمایندگان این شهرستان بیش از آنکه تابع فرآیند کلان دموکراسی باشد، بیشتر تابع بازتولید هم‌اوردی‌های سنتی طایفه‌ای است و ساکنانش روابط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خود را بر اساس آن تنظیم می‌کنند. از این رو می‌توان نورآباد ممسنی را جزء «شهرهای طایفه‌ای»<sup>۱</sup> نامید. در این شهرها، با توجه به ساختار ایلی‌عشایری می‌توان از روی نام خانوادگی افراد به‌آسانی طایفه آن‌ها را بازشناخت. به‌نظر می‌رسد بازنمایی چنین مناسبات و شاخصه‌های پیشامدرن و سنتی در فرآیندهای

اجتماعی سیاسی چنین شهرهایی، در تعیین گنش‌های سیاسی افراد اثرگذار است (کاوایانی‌راد، ۱۳۹۲، ص. ۱۵۲).

خویشاوندی و احساس تعلق به طایفه که خود دارای پیامدهای فراوان بر رفتار سیاسی رأی‌دهندگان است، موجب گردیده که صحنه رقابت‌های انتخاباتی شهرستان ممسنی تبدیل به کشمکش‌های طایفه‌ای گردد. همچنین ضعف اقتصادی حوزه انتخاباتی ممسنی باعث شده تا اعضای هر قلمرو و طایفه تلاش نمایند به هر نحو ممکن به یکی از افراد طایفه خود کمک کنند و مانع از به قدرت رسیدن کاندیدای دیگر قلمرو جغرافیایی شوند؛ چراکه تلقی آنان از مجموعه‌های غیرخودی و خارج از طایفه و زیستگاه خود این است که اگر به قدرت سیاسی (کرسی مجلس) دست پیدا کنند نتایج مخرب سیاسی و توسعه‌نیافتگی اقتصادی را برای آن‌ها به همراه خواهد داشت. بدیهی است که این رقابت‌ها زمینه پراکندگی اجتماعی سیاسی را در شهرستان فراهم آورده است؛ به طوری که هر یک از طوایف و نواحی جغرافیایی مشخص تلاش می‌کنند با دستیابی به موقعیت‌های مهم اجتماعی و سیاسی که با حمایت همه اعضای طایفه از یک نفر حاصل می‌شود به رقابت با یکدیگر به پردازند. این شرایط عموماً در انتخابات مجلس شورای اسلامی به خوبی آشکار می‌گردد. رفتارشناسی افراد در روند انتخابات نشان می‌دهد افراد در بستر سیاسی جغرافیایی بر پایه طایفه، خود را تعریف می‌کنند و هر طایفه و هر حوزه انتخاباتی از نامزدی حمایت می‌کنند که «خودی» یا به عبارتی از اعضای طایفه و منطقه مورد نظرشان باشد. همچنین با توجه به سطح معناداری بالاتر از سطح ۰/۰۵ بین اقوام، طایفه‌گرایی وجود دارد که میزان آن از طریق میانگین‌ها گویای شدت طایفه‌گرایی در بین اقوام لر است. از سوی دیگر با توجه به سطح معناداری بالاتر از سطح ۰/۰۵ بین اقوام، توسعه‌نیافتگی سیاسی وجود دارد که میزان آن از طریق میانگین‌ها گویای شدت توسعه نیافتگی سیاسی در بین اقوام لر است (جدول ۶).

جدول ۶. سطح معناداری وجود تفاوت بین طایفه‌های اقوام لر و ترک قشقایی نورآباد ممسنی

توسعه‌نیافتگی سیاسی	طایفه‌گرایی	
1188.500	967.000	Mann-Whitney U
2463.500	2242.000	Wilcoxon W
-.424	-1.953	Z
.671	.051	Asymp. Sig. (2-tailed)
a. Grouping Variable: Ethnicity		

در ادامه برای مشخص کردن وجود رابطه میان طایفه‌گرایی و توسعه‌نیافتگی سیاسی، از آزمون همبستگی استفاده شد. نتایج نشان داد که با توجه به مقدار ضریب همبستگی (۰/۴۴۹) به دست آمده و اینکه سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است، می‌توان گفت که بین دو متغیر طایفه‌گرایی و توسعه‌نیافتگی سیاسی، همبستگی وجود دارد و این همبستگی و رابطه به صورت مستقیم و ناقص است. این موضوع نشان‌دهنده این است که توسعه‌نیافتگی سیاسی متأثر از طایفه‌گرایی است و یا اینکه می‌تواند توسعه‌نیافتگی سیاسی متأثر از طایفه‌گرایی باشد (جدول ۷).

جدول ۷. همبستگی بین تأثیرگذاری طایفه‌گرایی در توسعه‌نیافتگی سیاسی

		طایفه‌گرایی	توسعه نیافتگی سیاسی
طایفه‌گرایی	Correlation Coefficient	1.000	.449**
	Sig. (2-tailed)	.	.000
	تعداد	100	100
توسعه‌نیافتگی سیاسی	Correlation Coefficient	.449**	1.000
	Sig. (2-tailed)	.000	.
	تعداد	100	100
**. Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).			

با توجه به نتایج به دست آمده در مراحل مختلف می‌توان بیان کرد که طایفه‌گرایی شدید در فرآیند انتخابات در شهرستان ممسنی می‌تواند به عنوان یکی از عوامل کلیدی توسعه نیافتگی سیاسی در نظر گرفته شده و دامن زدن به آن می‌تواند در افزایش و تشدید آن موثر باشد. زیرا یافته‌ها گویای این نکته است که در بین طوایف ممسنی معیار گزینش نامزدهای مجلس شورای اسلامی، احساسات و عواطف و مسائلی نظیر نسب، زادگاه و طایفه است. این عامل نشان می‌دهد که جامعه طایفه‌ای ممسنی در مرحله جمین شافت قرار دارد. اما از طرف دیگر وجود نهادهای مدرن و رفتار عقلایی افراد در انتخابات ریاست جمهوری این جامعه را در مرحله گزل شافت قرار می‌دهد. چنین می‌توان نتیجه گرفت که وجود نهادهای مدرن و سنتی در کنار هم بیانگر این است که جامعه طایفه‌ای ممسنی بر بنیاد تفکر فردینان تونیس در مرحله گذار از جمین شافت به گزل شافت قرار دارد که از طریق تقویت فرهنگ سیاسی

وحدت‌گرایی می‌توان از شدت طایفه‌گرایی که به‌عنوان یکی از عوامل بنیادین توسعه‌نیافتگی سیاسی است، کاسته شود.

البته باید توجه داشت که عوامل متعدد دیگر به‌عنوان عوامل پیشین یا بسترساز در تشدید طایفه‌گرایی و در نهایت توسعه‌نیافتگی سیاسی در شهرستان ممسنی مؤثر است که در برنامه‌ریزی‌ها برای مدیریت رفتار طایفه‌گرایی نیازمند توجه است (عبداللهی، ۱۳۸۶، ص. ۳۱-۳۵؛ صیدایی، ۱۳۷۷، ص. ۹۰):

الف) موانع تاریخی: زندگی مبتنی بر دامداری سنتی توأم با کوچندگی و چادرنشینی عشایر، نیازمند جنگل‌ها، مراتع و سرحدات امن در مناطق بیلاق و قشلاق بوده است. تلاش سران ایل برای حفظ و گسترش قلمروهای ایلی خود زمینه‌ساز تهاجمات و جنگ‌های عدیدی بوده که مانع از استقرار امنیت لازم برای توسعه شده است. در ممسنی درگیری‌ها و کشمکش‌های مداوم طوایف با یکدیگر به ویژه در زمان انتخابات به عمیق‌تر شدن بحران امنیت انجامیده است.

ب) موانع تکنولوژیک: زندگی عشایری و طایفه‌ای یکی از اشکال اولیه تطابق انسان با محیط است. در چنین جوامعی توجه به علم و فناوری ضعیف‌تر است و تکامل علم و تکنولوژی با حفظ ماهیت و مختصات نظام ایلی غالب بر جامعه عشایری عملی مشکل‌تر خواهد بود؛ لذا با توجه به روندهای عام جامعه بشری پیشرفت علمی و فنی و تحول زندگی عشایری ضرورتی غیر قابل اجتناب است. شهرستان ممسنی به‌علت عبور ناقص از مراحل نوسازی و عدم نهادینگی نهادهای مدرن و توسعه‌یافته، تاحدودی با این چالش مواجه است.

ج) موانع اجتماعی: در جوامع عشایری نظم انضباطی مبتنی بر سلطه اجتماع و تشابه‌پذیری از نظر وجدان جمعی مانع انسجام توأم با تفکیک و تفاوت‌پذیری است. استقلال و هویت فردی تحت الشعاع هویت جمعی کوچک و خاص‌گرایانه طایفه‌ای و قبیله‌ای است. مصالح محلی و طایفه‌ای و خانوادگی بر منافع فردی، سنت‌گرایی بر تعقل‌گرایی، خاص‌گرایی بر عام‌گرایی و حقوق کیفری و مجازات تنبیهی از جمله قصاص و انتقام‌جویی بر حقوق مدنی و مجازات ترمیمی و پیشگیرانه مسلط است. سیطره اجتماع قومی طایفه‌ای و نظم و انضباط خود یکی از موانع توسعه و بهبود اجتماعی مردم عشایر است. حقوق و تکالیف شهروندی در چنین جوامعی تحت الشعاع تعهدات و وابستگی‌های خاص‌گرایانه طایفه‌ای است.

د) موانع ذهنی و شخصیتی: انزوای جغرافیایی، اقتصاد معیشتی، تعاملات محدود با فامیل و خویشاوندان، بی‌سوادی و کم‌سواد و ضعف برخورداری از کالاهای فرهنگی و فناوری‌های نوین ارتباطی بیانگر پایین بودن سطح آگاهی، رواج تقدیرگرایی و تداوم اعتماد اجتماعی محدود و هویت جمعی کوچک و خاص‌گرایانه است. در ممسنی این عوامل فرآیند توسعه سیاسی را با بحران مواجه می‌کنند.

ر) موانع مالی و اعتباری: منابع مالی اعم از اعتبارات دولتی، سرمایه‌گذاری بانک‌ها و بخش خصوصی در شکوفایی استعدادهای مناطق اثر تعیین‌کننده‌ای دارد، به‌گونه‌ای که می‌توان آن را یکی از پایه‌های اساسی توسعه در هر منطقه به حساب آورد. از سال ۱۳۷۲ ضرورت توسعه و تحول همه‌جانبه مناطق عشایری کشور مطرح گردید و به همین جهت اعتباراتی برای مطالعات جامع و تفصیلی اختصاص داده شد تا با انجام آن، چگونگی توسعه آتی منطقه مشخص و بر اساس برنامه‌ریزی شود. از آنجایی که سرمایه‌گذاری برای توسعه مناطق عشایری چند سالی بیش سابقه ندارد و نیاز شدید عشایر ایجاد می‌کند که سرمایه‌گذاری‌ها کلان باشد تا برنامه‌های توسعه مناطق عشایری بهتر به تحقق برسد و از طرفی چون بخش خصوصی تمایلی برای سرمایه‌گذاری در مناطق عشایری نشان نمی‌دهد و خود عشایر هم که سرمایه‌های جز دام‌هایشان ندارند و توان سرمایه‌گذاری در خود نمی‌بینند، در نتیجه موضوع کلان بودن سرمایه‌ها و اعتبارات می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در چگونگی توسعه مناطق عشایری داشته باشد. به عبارتی پیشنهاد هر نوع برنامه برای توسعه آتی قلمروهای ایلی کشور باید مناسب و موازی میزان اعتبار و سرمایه‌گذاری آن باشد؛ لذا رقابت برای دریافت اعتبارات دولتی از طریق انتخاب نامزدهای طایفه‌ای دنبال می‌گردد.

## ۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته‌های پژوهش گویای این است که رابطه معناداری میان متغیر طایفه‌گرایی و توسعه سیاسی وجود دارد، به طوری که طایفه‌گرایی یکی از عوامل بنیادین در توسعه‌نیافتگی سیاسی ممسنی به‌شمار می‌رود. در شهرستان ممسنی به‌دلیل حاکمیت بافت سنتی و غلبه عناصر متأثر از این بافت بر عناصر مدرن و تلفیق آن با برخی موانع چالش برانگیز، فرآیند توسعه سیاسی با موانعی مواجه بوده است. نتایج تحلیل و جداول مربوط به یافته‌های میدانی حاکی از آن است

که میزان شدت طایفه‌گرایی اگرچه در دوران قبل و بعد از انتخابات کاهش پیدا می‌کند، لکن در زمان انتخابات، با توجه به رقابتی که از دیرباز بین طوایف موجود در ممسنی بر سر کسب قدرت سیاسی (کُرسی مجلس) وجود دارد، این میزان افزایش پیدا می‌کند، تا جایی که تبدیل به تنش و درگیری‌های بین طایفه‌ای در حوزه انتخابیه ممسنی می‌شود. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که در بین مؤلفه‌ها و خاستگاه‌هایی که بر الگوی رأی دهی در حوزه انتخابیه ممسنی اثرگذار است، ترجیحاً هویت محلی و طایفه‌ای از نمود چشمگیری برخوردار است و این مهم بیشترین نقش را در پیروز شدن نامزدهای مجلس شورای اسلامی در انتخابات مجلس شورای اسلامی داشته است.

از منظر تقابل سنت و مدرنیته نیز ساکنان ممسنی به دلیل محرک‌های بیرونی و تأثیرگذار بر اندیشه‌شان، گزینش خود را بر مبنای عواطف و وابستگی‌های خویشاوندی و طایفه‌ای استوار ساخته و عناصر جهان مدرن را مؤلفه‌هایی غیرمؤثر بر سرنوشت تاریخ، جغرافیا و علقه‌های مادی و معنوی خود پنداشته‌اند. از سوی دیگر ضعف عقلانیت سیاسی، حاکمیت عواطف و احساسات و رخنه آن در بستر جامعه ممسنی را در پی داشته و امکان هرگونه تفکر و خلاقیت در زمینه ایجاد فرهنگ سیاسی تکثرگرایانه و هم‌زیستی فارغ از عصبیت را از بین برده و فرآیند توسعه سیاسی را به تأخیر انداخته است. در این چارچوب متغیرهایی نظیر رابطه اجتماعی باز، صراحت و اعتماد از پتانسیل بالایی برای حاکمیت عقلانیت سیاسی، کاهش گرایش‌های طایفه‌ای و در نظر گرفتن منافع و مصالح عام برخوردارند. در جای دیگر اشاره شد که محورهای رادیکالیسم قومی از جمله اعمال خشونت و بی‌عدالتی نسبت به طوایف مغلوب در انتخابات، فرهنگ سیاسی عشیره‌های و سنتی نامطلوب در ممسنی، ضعف ایجاد اشتغال برای نیروهای انسانی کارآمد و جوانان و محرک‌های رادیکالیسم قومی نظیر نمایندگان، گروه‌های خویشاوندی، متنفذین محلی و سران و بزرگان طوایف به بازی با حاصل جمع صفر و افزایش تنش در میان طوایف منجر شده است.

در زمینه توزیع ناعادلانه قدرت میان نخبگان سیاسی ممسنی، به دلیل محوریت ویژگی‌ها و علایق عاطفی‌نَسبی و تقسیم وظایف بر بنیاد طایفه‌محوری و هویت جغرافیایی افراد، مفهوم تکثرگرایی و بهره‌گیری از ظرفیت نیروهای کارشناس در این جامعه وجود نداشته است. سرانجام، توسعه نامتوازن و بی‌عدالتی جغرافیایی در شهرستان ممسنی این نتیجه را به همراه



داشته است که طایفه‌ای که کاندیدای آن کرسی مجلس را در اختیار دارد و صاحب قدرت و نفوذ است، نه تنها به سایر مناطق جغرافیایی و طوایف دیگر توجه لازم را نکرده، بلکه تنها مکان‌ها و فضاها را ساماندهی و توسعه (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی) داده که در جریان کارزار انتخاباتی بیشترین میزان حمایت را از آن به عمل آورده است که این خود در توسعه نیافتگی سیاسی شهرستان ممسنی تأثیرگذار بوده است. بنابراین با توجه به یافته‌های پژوهش که گویای رابطه معنادار میان دو متغیر طایفه‌گرایی و توسعه نیافتگی سیاسی است، نگارندگان، ۱۰ راهکار بنیادین را برای حل بحران طایفه‌گرایی در حوزه انتخابیه ممسنی ارائه می‌کنند:

۱. تشکیل کارگروه‌های ضد طایفه‌گرایی (این کارگروه باید متشکل از نخبگان، اساتید، فرهنگیان، حقوق دانان و جامعه دانشجویی باشد که در قالب همایش‌ها و نشست‌های علمی برای برگزاری انتخاباتی مسالمت‌آمیز و به دور از تنش‌های طایفه‌ای تلاش نمایند)؛
۲. ایجاد آگاهی توسط کارگروه‌های ضد طایفه‌گرایی در جهت کاهش هیجانات توده در زمان انتخابات؛
۳. ایجاد نظام موازنه از طریق کنترل سران طوایف به وسیله نخبگان مخالف طایفه‌گرایی؛
۴. اتحاد و انسجام نامزدها قبل از برگزاری انتخابات در جهت آرامش و سلامت آن؛
۵. توجه نمایندگان به شایسته‌سالاری به جای ارادت سالاری؛
۶. عدم برخورد غیرت‌زا و تعصب‌آمیز نمایندگان با ساکنان حوزه انتخابیه خود؛
۷. سوق دادن افکار عمومی به توسعه سیاسی و اقتصادی شهرستان و تلاش برای ایجاد همدلی و اتحاد میان طوایف؛
۸. ایجاد توسعه متوازن و توزیع و تخصیص عادلانه (نه عامدانه) منابع بر بنیاد عدالت جغرافیایی؛
۹. ارتقای بخش‌های اقتصادی نظیر صنعت و پتروشیمی و همچنین تخصیص بودجه به پروژه‌های عمرانی در مناطق مختلف جغرافیایی و فارغ از هویت و تعلقات مکانی - زادگاهی؛
۱۰. انتخاب یک اندیشه سیاسی همه‌گیر (فراطایفه‌ای)، به نحوی که چتر کامل و پوشش فراگیری برای افراد منطقه (کل شهرستان) ایجاد کند تا همه یا اکثریت قاطع جمعیت ساکن در سرزمین، خود را متعلق به آن بدانند و بر این اساس، ممسنی به سوی مدیریت سیاسی

یکپارچه‌ای رانده شود و امکان کنترل و تنظیم روابط بین طوایف فراهم آید و از این طریق الگوی مدیریت مشارکتی و صلح فراهم می‌شود.

بنابراین از دید نگارندگان با عملی کردن این تدابیر و راهکارها، می‌توان شاهد کاهش یا حذف فرهنگ سیاسی طایفه‌ای در شهرستان ممسنی باشیم که باید توجه دولتمردان محلی و منطقه‌ای (متولیان) را جلب کند، وگرنه با سطحی و غیرعلمی نگرستن به موضوع پژوهش (طایفه‌محوری)، در آینده از آن در جغرافیای سیاسی ممسنی بیشتر خواهیم شنید.

### کتابنامه

۱. احمدی پور، ز.، صادقی، و.، و تیموری، ح. ر. (۱۳۹۴). تبیین رابطه تمرکزگرایی و توسعه سیاسی در ایران معاصر از مشروطه تا انقلاب اسلامی. *فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی*، (۳۰)، ۸۱-۹۸.
۲. بشیریه، ح. (۱۳۸۰). *موانع توسعه سیاسی در ایران*. تهران: گام نو.
۳. پالمر، م.، لاری، ا.، و گایل، ج. (۱۳۹۱). *نگرشی جدید به علم سیاست*. ترجمه منوچهر شجاعی. تهران: وزارت امور خارجه.
۴. حافظ‌نیا، م.ر.، و کاویانی‌راد، م. (۱۳۸۸). *افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی*. تهران: سمت.
۵. حبیبی فهلیانی، ح. (۱۳۷۱). *ممسنی در گذرگاه تاریخ*. شیراز: نوید شیراز.
۶. حجاریان، س. (۱۳۷۹). *تاوان اصلاحات*. تهران: ذکر.
۷. دارابی، ع. (۱۳۸۸). بنیان‌های نظری رفتار انتخاباتی شهروندان در جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی*، ۱۶ (۵۱)، ۳۷-۹.
۸. دُسون، آ. (۱۳۸۲). *درآمدی به جامعه‌شناسی انسانی*. ترجمه جعفر نجفی‌زند. تهران: دوران.
۹. رجب‌زاده، ا. (۱۳۷۸). *جامعه‌شناسی توسعه: بررسی تطبیقی - تاریخی ایران و ژاپن*. تهران: سلمان.
۱۰. رومینا، ا.، و صادقی، و. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر طایفه‌گرایی بر الگوی رأی‌دهی (مطالعه موردی: شهرستان نورآباد ممسنی). *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۱۱ (۳)، ۸۴-۱۱۶.
۱۱. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان فارس. (۱۳۹۵). *گزارش برآورد جمعیت شهرستان‌های استان فارس به تفکیک شهرستان از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵*. شیراز: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان فارس.
۱۲. سالنامه آماری استان فارس. (۱۳۹۰). *آمار مربوط به جمعیت شهرستان‌های استان فارس*. بازیابی در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۴، از <https://www.amar.org.ir>
۱۳. سعیدی، ع. (۱۳۹۰). *مبانی جغرافیای روستایی*. تهران: سمت.

۱۴. آلون، س. (۱۳۷۸). *تغییر اجتماعی و توسعه*. ترجمه محمود حبیبی مظاهری. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۵. صادقی، و. (۱۳۹۴، شهریور). بنیادهای جغرافیایی گنش سیاسی در شهرستان ممسنی. نشریه مستقل دانشجویی اندیشه نو دانشگاه آزاد ممسنی، ۶ (۸)، ۲۳-۱۶.
۱۶. صادقی، و.، و حسینی، س. م. ح. (۱۳۹۴). سرچشمه‌های تولید طایفه‌گرایی در شهرستان ممسنی (استراتژی مقابله با آن). *فصلنامه فرهنگی - اجتماعی فراسو*، ۸ (۲۷)، ۲۱-۱۷.
۱۷. صیدایی، س. ا. (۱۳۷۷). توسعه پایدار جامعه عشایری ایران در آینده. *نشریه علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، (۱۳ و ۱۴)، ۸۳-۱۰۰.
۱۸. عبداللهی، م. (۱۳۸۶). اسکان عشایر و توسعه حیات اجتماعی آنان در ایران (مطالعه موردی طایفه وری علی نظر در استان ایلام). *فصلنامه علوم اجتماعی*، (۳۲)، ۱۹-۵۴.
۱۹. قوام، ع. ع. (۱۳۸۹). *سیاست‌های مقایسه‌ای*. تهران: سمت.
۲۰. کاویانی راد، م. (۱۳۹۲). *جغرافیای انتخابات با تأکید بر انتخابات ریاست جمهوری*. تهران: خوارزمی.
۲۱. کاویانی راد، م.، و ویسی، ه. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر همسایگی بر انتخابات ایران، مطالعه موردی نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در ایران. *فصلنامه ژئوپلیتیک*، ۵ (۳)، ۱-۲۰.
۲۲. کوئن، ب. (۱۳۸۶). *درآمدی بر جامعه‌شناسی*. تهران: توتیا.
۲۳. گیدنز، آ. (۱۳۸۷). *تجدد و تشخص - جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: نی.
۲۴. مجتهدزاده، پ. (۱۳۹۰). *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*. تهران: سمت.
۲۵. مقدس، ع. ا.، و حیدری، ا. (۱۳۸۷). رابطه هویت طایفه‌ای و هویت ملی با تأکید بر متغیرهای نگرشی در شهر نورآباد ممسنی. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۹ (۳۳)، ۹۷-۱۲۶.
۲۶. مویر، ر. (۱۳۷۹). *درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی*. ترجمه دره میرحیدر با همکاری سید یحیی صفوی. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۲۷. مهدوی، م. (۱۳۹۲). *مقدمه‌ای بر جغرافیای روستایی ایران*. تهران: سمت.
۲۸. میرزایی تبار، م.، صادقی، و.، و حسینی، س. م. (۱۳۹۴). تبیین رابطه فرهنگ سیاسی و توسعه اقتصادی: مطالعه موردی شهرستان ممسنی. *دو فصلنامه دانش سیاسی*، ۱۱ (۲۲)، ۱۶۹-۲۰۸.
۲۹. نظری، س. غ.، بشیری گیوی، ح.، و جنتی، س. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر مشارکت سیاسی بر توسعه سیاسی (مورد مطالعه: جوانان شهر خلخال). *مجله توسعه اجتماعی ایران*، ۶ (۲۱)، ۱۳۷-۱۴۶.
30. Almond, G., & Verba, S. (1968). *Principal investigators*. Michigan: The Five Nation Study.

31. Bashiriyeh, H. (2001). *Obstacles to political development in Iran*. Tehran: gameno Publication.
32. Brady, H. E. (2000). Category Cally Wrong Vo manual versus graded measure of ethnic identity. *Studies in Comparative International Development*, 35(3), 98-123.
33. Davarpanah, H. (2006). *English for the students of political science*. Tehran: Samt Publication.
34. Glassner, M. (1993). *Political geography*. Canada: John Wiley.
35. Huntington, S .P. (1969). *Political order in changing societies*. New Haven: Ale University Press.
36. Pye, L. (1966). *Aspects of political development*. Boston: Little Brown.
37. Statistical Yearbook of Fars Province. (2011, May). *Statistics of population for Fars province counties*, Management and Programming Organization of Fars Province, available at: <https://www.amar.org.ir>.

